خبر

برگزاری مراسم عزاداری ایام فاطمیه در حسینیه امام خمینی

● **دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای:** هم‌زمان با فرارسیدن ایام سوگواری حضرت فاطمه‌الزهرا (سلام‌الله‌علیها)، امسال نیز همچون سال‌های گذشته، مجلس عزاداری در حضور مقام معظم رهبری برگزار خواهد شد. این مراسم از دوشنبه ۹۵/۱۲/۹ تا جمعه ۹۵/۱۲/۱۳ به مدت پنج شب از نماز مغرب و عشا در حسینیه امام خمینی (رحمه‌الله) واقع در خیابان فلسطین جنوبی، پایین‌تر از تقاطع جمهوری برگزار می‌شود؛ همچنین پیش از آغاز مراسم، حجت‌الاسلام والمسلمین فلاح‌زاده به بیان احکام شرعی خواهد پرداخت. از عموم مردم عزیز و عاشقان اهل‌بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) دعوت می‌شود تا در این مراسم شرکت فرمایند.

برگزاری انتخابات الکترونیکی به‌طورکامل منتفی نیست

● **ایرنا:** وزیر کشور در حاشیه جلسه ستاد مبارزه با مواد مخدر درباره انتخابات الکترونیکی گفت: برگزاری انتخابات الکترونیکی به‌طورکامل منتفی نیست و ما آمادگی اجرای این کار را داریم. نظرات متفاوت و مختلفی درباره برگزاری الکترونیکی انتخابات ریاست‌جمهوری در کل کشور وجود داشت که اخیرا با کارشناسان شورای نگهبان مذاکره کردیم و آنها سه دستگاه را مشخص کرده بودند که نرم‌افزارها را تأیید کنند و ما نیز این تأییدیه‌ها را گرفتیم.

تأکید رئیس‌جمهور بر سپردن پست‌های مدیریتی به بانوان

● **ایرنا:** معاون پارلمانی رئیس‌جمهور درباره رویکرد حسن روحانی درخصوص سپردن پست‌های مدیریتی به بانوان، گفت: زمانی که درخواست انتخاب یک بانو برای سازمان میراث فرهنگی به آقای رئیس‌جمهور رسید، ایشان بلافاصله استقبال و اجابت کردند.آقای رئیس‌جمهور بارها وزرای خود را مورد عتاب و خطاب قرار داده و گفته‌اند چرا از زنان بیشتری در دستگاه‌های خود استفاده نمی‌کنند و مشخصا علاوه بر آقای ظریف، آقای رحمانی‌فضلی را مورد سؤال قرار دادند که چرا از استاندار و بخشدار زن استفاده نمی‌کنید.

عکس: امیر جدیدی، شرق

نشستی با حضور خانیکی، ملکیان، معین، ایازی و شریعتی

گفت‌وگوی کرها با لال‌ها

لیلا ابراهیمیان: نه فراخوانی هست و نه حضوری گسترده؛ اما موضوع نشست، بهانه خوبی برای حضور خیلی از دانشجویان رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم ارتباطات، تاریخ و فلسفه در نشست «امکان و امتناع گفت‌وگو در میان نخبگان» است. عصر روز یکشنبه، اولین نشست «امکان و امتناع گفت‌وگو در میان نخبگان» در مؤسسه «رحمان» برگزار شد. میهمان‌ها یکی‌یکی از راه می‌رسند و روی صندلی‌های ساده و پلاستیکی جای می‌گیرند؛ مصطفی ملکیان، هادی خانیکی، محمدعلی ایازی، سارا شریعتی، تقی شامخی و دیگران. مصطفی معین، قبل از اینکه سخنرانان مراسم را به جایگاه اصلی بخواند، درباره اهمیت گفت‌وگو می‌گوید و اینکه چرا عده‌ای دوری و دوستی را به گفت‌وگو ترجیح می‌دهند. شاید همین بهانه‌ای باشد که مؤسسه رحمان بدون اینکه بخواهد فراخوانی رسمی بدهد، اولین نشست مسئله‌محور خود را حول گفت‌وگوی نخبگان در ایران با درنظرگرفتن زمینه‌های اخلاقی، جامعه‌شناسی و فقه شروع می‌کند؛ قرار است این نشست به صورت ماهانه برگزار شود.

بعد از معین، اولین کسی که از اهمیت گفت‌وگو می‌گوید هادی خانیکی، استاد علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی است؛ او از دو تجربه نظری و عملی خود برای تبیین اهمیت گفت‌وگو استفاده می‌کند. خانیکی می‌گوید: «تجربه همه ما نشان داده که هرقدر هم که بزرگ فکر کنیم، باید کار را از جاهای کوچک شروع کنیم». او برگزاری این نشست را یکی از همان کارهای بزرگ در مقیاس کوچک می‌داند که باید گفت‌وگو از جایی شروع شود. خانیکی، از سوسن شریعتی یاد می‌کند که زمانی می‌گفت: «کشورهای پیشرفته، فعالیت اجتماعی را بر فعالیت سیاسی ارجحیت و اولویت می‌دهند، ولی در ایران برعکس است؛ یعنی نخبگان اول کار سیاسی انجام می‌دهند و بعد به فعالیت اجتماعی روی می‌آورند». او این قیاس را مهم می‌خواند و راه حل مشکل را در یک نکته می‌داند؛ گفت‌وگوکردن نخبگان با همدیگر.

او سپس خاطره‌ای از محمدعلی عمویی ذکر می‌کند که گفته بود ما فعالان سیاسی قبل از انقلاب، فقط در زندان می‌توانستیم همدیگر را بشناسیم و این همان گپ گفت‌وگو یا خلأ گفت‌وگویی است که در میان نخبگان و فعالان سیاسی از قبل از انقلاب تا به امروز دیده می‌شود؛ یک «نبود» یا خلأ تاریخی. زمانی که گفت‌وگوی تمدن‌ها در ایران مطرح بود و بحث گفت‌وگو در ایران بحث مهم روز بود. یا زمانی که در مجله آیین خیلی از کسانی که در جلسات حضور داشتند برای اولین‌بار بود که همدیگر را می‌دیدند یا دیگری را متهم به حکومتی‌بودن می‌کردند. خانیکی فضایی را تصویر می‌کند که گفت‌وگو در آن دشوار بوده و دیگران را برای راه‌گشایی خطاب قرار می‌دهد. حالا «امکان و امتناع گفت‌وگو در میان نخبگان» در مؤسسه غیرانتفاعی رحمان با حضور چهار سخنران بررسی می‌شود: مصطفی ملکیان، هادی خانیکی، محمدعلی ایازی، سارا شریعتی.

هادی خانیکی سرپرستی پنل را به عهده دارد و قبل از شروع سخنرانی‌ها، تعریفی از زبان مصطفی ملکیان دیگر سخنران این نشست، درباره گفت‌وگو ارائه می‌کند: «گفت‌وگو مکالمه‌ای است که در آن شرکت‌کنندگان برای نیل به هدفی واحد و مشترک که حل یا رفع مسئله و مشکل مطرح است، به فهم و نقد سخن هم می‌پردازند؛ در فرایند گفت‌وگو فهم سخن تو زمینه‌ساز نقد آن سخن از سوی من می‌شود و نقد من سبب می‌شود که تو یا مدعای خود را واضح‌تر بیان کنی یا دلیل خودت را دقیق‌تر کنی و این مدعا با تقویت دلیل، من را به فهم عمیق‌تر سخن تو و نقد دقیق‌تر آن رهنمون می‌شود و به‌این‌ترتیب و با این سیر دیالکتیکی گام‌به‌گام به حل مسئله یا مشکل نزدیک و نزدیک‌تر می‌شویم».

سؤال اصلی نشست چیست؟

خانیکی می‌پرسد: «نخبگان ایرانی، دانشگاهیان و اندیشمندان چگونه با دیگران در پیرامون و جهان خود مواجهه می‌شوند و فهمشان از گذشته خودشان چگونه است، با توجه به اینکه این روزها عده‌ای به تخریب کامل اطرافیان و گذشته می‌پردازند یا پیرامون خود، جهان و ساحت غیرخود را قبول ندارند؟»؛ «میدان گفت‌وگو کجاست و اینها چگونه به نظرهای دیگران بازخورد می‌دهند یا کنش بیانی و ارتباطی آنها در گفت‌وگو و نقد چگونه شکل می‌گیرد؟»؛ «روشنفکران و نخبگان در کجا با هم می‌نشینند و گفت‌وگو می‌کنند؛ مکان گفت‌وگوی ما کجاست؟» نوبت که به مصطفی ملکیان می‌رسد، به پرسش‌های خانیکی اشاره می‌کند و معتقد است این پرسش‌ها را باید جامعه‌شناسان پاسخ دهند. او می‌گوید: «باید به فرایند گفت‌وگو و چگونگی آن، کیفیت مواجهه روشنفکران با هم و نحوه تبیین و کیفیت جامعه‌شناس‌ها پاسخ دهند». ملکیان با سه نکته بحث خود را ادامه می‌دهد: فارغ از فرایند روشنفکری، آکادمیسین‌ها و علمای حوزه علمیه و نحوه گفت‌وگوی اینها با همدیگر، باید روشنفکری را از این گروه‌ها جدا کرد؛ روشنفکر الزاما، استاد دانشگاه نیست و این فقط تصادف و هم‌مصاف‌شدن این دو است. او می‌گوید: «خلأ گفت‌وگو از زمان مشروطه تا به امروز فقط مشکل روشنفکران نیست و استادان دانشگاه، علما، رجال سیاسی و عالمان دینی هم با همدیگر نمی‌توانند گفت‌وگو کنند». به گفته ملکیان آنها فقط با جرگه طرفداران و هواداران خود گفت‌وگو می‌کنند که این رویه به دو دلیل ویرانگر است. ملکیان در تبیین این دو دلیل می‌گوید: «هوادار روشنفکر یا هوادار است و نسبت به فرد حالت احساسی-عاطفی دارد یا شیفته و اینها گزینه مناسبی برای نقدکردن نیستند». او دلیل دیگر را فاصله تجربه زیسته روشنفکر و هوادارش با علم و فهمشان از عمق مسئله عنوان می‌کند و این همان تفاوتی است که در غرب وجود دارد. به گفته ملکیان، در غرب هواداران نیستند که فرد را نقد می‌کنند، بلکه، افرادی هم‌تراز و برجسته، عالم یا روشنفکر را نقد می‌کنند که در تبیین و تحکیم ایده و اندیشه فکری او تأثیرگذار است.

روشنفکران فعال سیاسی نیست

ملکیان به وضعیت روشنفکران اشاره می‌کند و آن را با عالمان دینی یا با دانشگاهیان مقایسه می‌کند: «وضعیت روشنفکران به‌مراتب بدتر است؛ آنها پیامبرگونه پیام خود را می‌بینند، پیام را دریافت و به مردم دیکته می‌کنند و امکان گفت‌وگو با آنها ممکن نیست». به گفته ملکیان، روشنفکران جهان سوم، حالت پیامبرگونه به خود می‌گیرند که یا باید به آنها ایمان آورد یا کافر شد و این همان دلیلی است که باعث می‌شود گفت‌وگو در این میان کم‌رنگ شود. او دلیل دیگر خلأ گفت‌وگو را در میان روشنفکران چنین عنوان می‌کند: «روشنفکران ما فعال سیاسی هستند؛ در فعالیت سیاسی حق و باطل کمتر اهمیت دارد و موفقیت مهم است». او عرصه سیاست را به عرصه شطرنج تشبیه می‌کند که در آن کیش‌ومات‌کردن حریف مهم است؛ ولی در عرصه روشنفکری بحث حق و باطل مطرح می‌شود. گرایش روشنفکران به عمل سیاسی، زمینه را برای گفت‌وگو تنگ می‌کند یا کاریزما و نفوذ کلام روشنفکر به مسئله تعیین‌شده‌ای تبدیل می‌شود نه مستند گفتنش از حق. ملکیان باور دارد این وضعیت در میان استادان دانشگاه و نخبه‌های علمی بهتر است، چون اعتبار گفته آنها به ارائه مستندات است. وضعیت روشنفکری دینی در ساحت گفت‌وگو به‌دلیل نبود آزادی و ترس از افکار عمومی مناسب نیست؛ به گفته ملکیان، «روشنفکران دینی با افکار عمومی سروکار دارند و از افکار عمومی می‌ترسند؛ آنها در بیان افکار خود جویده‌جویده حرف می‌زنند و چون نمی‌توانند حرف دل‌شان را بگویند، بیشتر حرف‌های آنها بعد از وفات‌شان مطرح می‌شود یا باید از منطقه‌ای به منطقه دیگر بروند تا واضح سخن بگویند؛ اگر کسی شفاف سخن نگوید نقد و گفت‌وگو رنگ می‌بازد یا خود روشنفکر از گفت‌وگو سر باز می‌زند».

جامعه رهاشده

«بیایید از پایان گفت‌وگو سخن بگوییم»؛ بعد از سخنرانی ملکیان، نوبت به سارا شریعتی، می‌رسد؛ او سخن خود را این‌چنین آغاز می‌کند. شریعتی می‌گوید: «گفت‌وشنود صورت غالب گفت‌وگو در ایران است و این سنتی است در میان نخبگان، عالمان دینی و روشنفکران». او به شرایط نابرابر گوینده و شنونده اشاره می‌کند و شرایط نابرابر طبقاتی و فرهنگی؛ به گفته شریعتی در شرایط نابرابر موقعیتی، پرسش و پاسخ در تصریح و تصدیق همدیگر است و ما دیگری را به رسمیت نمی‌شناسیم. شریعتی به‌صورت دیگر گفت‌وگو در میان نخبگان هم اشاره می‌کند که آنها فقط با خود گفت‌وگو می‌کنند و برای خود می‌گویند و خود را نقد می‌کنند و به همدیگر پاسخ می‌دهند. «در این میان نخبگان درگیر هم می‌شوند و وارد گفت‌وگو با هم می‌شوند». او صورت اصلی این گفت‌وگو را به «گفت‌وگوی کرها» تشبیه می‌کند که روشنفکران به همدیگر گوش نمی‌دهند؛ ولی با هم سخن می‌گویند و در این میان جامعه حرف خود را بیان نمی‌کند و رها شده است؛ جامعه‌ای که آن را لال می‌خواهند. روشنفکران در بحث با همدیگر متن جامعه را رها کرده‌اند؛ شریعتی می‌گوید: «باید به‌جای گفت‌وگو با همدیگر با جامعه بی‌دفاع صحبت کرد؛ اما جامعه به حال خود رها شده است». شریعتی به فقر، حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی اشاره می‌کند و آن را دلیل رهاشدگی جامعه می‌داند.

گفت‌وگو در قرآن

بعد از شریعتی، محمدعلی ایازی بحث خود را شروع می‌کند؛ او از آیات قرآن می‌گوید و تأکیدی که در قرآن به گفت‌وگو میان انسان، ملائکه و خدا وجود دارد و معتقد است این نقل‌ها در زندگی اجتماعی معنا دارد و باید از آنها در ساحت اجتماعی استفاده شود. او به دو مشکل اصلی گفت‌وگو اشاره می‌کند: «استبداد تاریخی و تکفیرکردن». ایازی استبداد تاریخی را عامل انسداد گفتمانی عنوان می‌کند و می‌گوید: «تکفیرکردن بیماری است که ایجاد محدودیت می‌کند و فرد از ترس اینکه تکفیر شود حرف نمی‌زند، مبادا اینکه جامعه بد بفهمد و او بد هزینه دهد». ایازی با طرح این سؤال که «چگونه زمینه را برای گفت‌وگوی روشنفکران و عالمان دینی فراهم کنیم»، می‌گوید باید زمینه گفت‌وگو را از خود شروع کرده و اولویت‌ها را برای گفت‌وگو درباره آن مشخص کنیم. او از وضعیت امروز عاملان و عالمان دینی انتقاد می‌کند و زمینه گفت‌وگو را در میان آنها مناسب نمی‌داند.

ادامه از صفحه اول

آیت‌الله برای انتخابات ۹۶ برنامه داشت

● پدر به آقای حجازی گفت که پیغام من را برسانید و بگویید «به دو دلیل می‌خواهم ثبت‌نام کنم؛ یکی اینکه به دنبال خلق حماسه سیاسی که ایشان مطرح کرده‌اند، هستم؛ دیگری اینکه تماس‌های بسیاری برای درخواست از من شده است»... در نهایت ساعت پنج‌ونیم آقای حجازی تماس گرفتند و گفتند «من پیغام شما را رساندم، ولی این صحبت‌ها را نمی‌شود پای تلفن مطرح کرد».

● در آن زمان من در مجمع کنار پدر نشسته بودم، بعد از پایان تلفن، با توجه به اینکه فرصت مذاکره حضوری عملا وجود نداشت، من از ایشان پرسیدم که حالا چه کار می‌کنید؟ گفتند «می‌رویم»، سپس بلند شدند و «بسم الله الرحمن الرحیم» گفتند و در آخرین لحظه به سمت وزارت کشور رفتیم.

● ظهر فردای پس از ثبت‌نام من به مجمع نزد پدرم رفتم و متوجه شدم که ایشان نگران هستند، علت را جویا شدم. ایشان گفتند که کار بزرگی است؛ نمی‌دانم که با مشکلاتی که در کشور هست و مخالفت‌های موجود، آیا از توان این کار برمی‌آیم یا نه. ایشان گفتند: «من هیچ‌وقت در طول زندگی قرص خواب نخورده بودم ولی دیشب، از بس که این‌بار روی دوش من سنگینی می‌کند، با قرص خواب به خواب رفتم».

● پدرم از شنیدن خبر رد صلاحیت خود خیلی خوشحال شد. برایش پیغام آورده بودند و می‌دانستند که در شورای نگهبان چه می‌گذرد.

● در نهایت آقای روحانی و آقای علی لاریجانی یکی شب و دیگری صبح برای بابا پیغام آوردند که گفته‌اند شما انصراف بدهید؛ اگر نه، رد صلاحیت می‌شوید. که ایشان در پاسخ گفتند «من انصراف نمی‌دهم؛ چراکه به مردم قول داده‌ام و نمی‌توانم به آنها دروغ بگویم؛ من بر نظر خود باقی می‌مانم، من را رد صلاحیت کنند».

● شبی که ایشان رد صلاحیت شد، گفتند: «که یک بار بزرگی از دوشم برداشته شده است». ایشان همان زمان هم به طرفداران خود اعلام کردند که از آقای روحانی حمایت کنند.

● ایشان چندی پیش به‌صراحت در مصاحبه‌ای درباره رابطه خود با رهبری گفتند که من در برخی موارد با رهبری اختلاف داشتم و دارم اما با ایشان صحبت و بحث می‌کنم؛ اگر به عنوان حکم حکومتی ایشان حرفی بزنند، من دستور ایشان را اجرا می‌کنم ولی اگر نظر خاصی به عنوان حکم حکومتی نداشته باشند، من نظر خود را پس می‌گیرم. پدرم در بسیاری از موضوعات با رهبری صحبت می‌کردند.

● اتفاقا من یک بار از ایشان پرسیدم که برای انتخابات آینده برنامه‌ای دارید که ایشان گفتند «بله برنامه‌هایی داریم و برخی پیشنهاداتم را مطرح کرده‌ام و برخی از آنها باقی مانده که بعدا مطرح می‌کنم».

● ایشان حرف‌هایی را که از سوی مخالفان و علیه ایشان مطرح می‌شد مانند کف روی آب تلقی می‌کردند و می‌گفتند: «هرچه راجع به ما صحبت کنند و دروغ بگویند، گناهان ما کمتر می‌شود». روزهای جمعه که همگی کنار یکدیگر جمع می‌شدیم، این حرف‌ها را مانند جوک برای همدیگر بیان می‌کردیم و می‌خندیدیم.

● بعد از سال ۸۸ نیز از ایشان خواستند که در نماز جمعه حضور پیدا کنند، اما ایشان معتقد بودند که حرف‌های خود را در نمازجمعه زده‌اند و چنانچه در نماز جمعه مجددا حضور یابند و حرف بزنند، ولی اتفاقی نیفتد، حضور در آن نماز جمعه چه فایده‌ای دارد.

● روز جمعه عقد دختر یاسر بود من به یکی از مسئولان مراجعه کردم و از ایشان خواستم از ارتباطات خود با قوه قضائیه استفاده کند و برای مهدی دو ساعت مرخصی بگیرد. ما اطلاعی از حضور مهدی نداشتیم، حدود ساعت سه از زندان تماس گرفتند و خبر دادند که مهدی می‌آید. با آمدن مهدی پدرم به‌قدری خوشحال شده بود که تا پایان شب با اقوامی که در مراسم حضور داشتند، به گرمی صحبت و شوخی می‌کردند.

● هرگاه که پدرم به خانه بازمی‌گشت، روز خود را برای مادرم توصیف می‌کرد، سپس اخبار بی‌بی‌سی و صدای آمریکا و یورونیوز را دنبال می‌کرد و بعد به مطالعه می‌پرداخت و ساعت ۹ شام می‌خورد و ساعت ۱۱ نیز به خواب می‌رفت.

روزنه

اتهام‌زنی کریمی‌قدوسی این‌بار به خانواده هاشمی

● **شرق:** سایت انصارکلیپ، روز گذشته فایل صوتی از سخنان سیدجواد کریمی‌قدوسی را با عنوان «سخنان مهم کریمی‌قدوسی در قم» منتشر کرد. در این فایل صوتی که مدت‌زمان آن تقریبا یک ساعت است، مشخص نیست که این نماینده نزدیک به جریان پایداری در مجلس، این سخنان را در چه جمعی مطرح کرده، اما فحوای سخنان او اتهاماتی است که متوجه مرحوم هاشمی و خانواده او و نیز جریان اعتدالی شده است. اتهاماتی که محسن هاشمی در گفت‌وگوی خود با «شرق» از صدر تا ذیل آن را تکذیب کرد.

این نماینده تندروی مجلس در این سخنان مدعی شده است که «بعد از فوت آقای هاشمی در خانواده ایشان خیلی اختلافات عمیقی پیش آمد. در یکی از این جلسات فائزه و یاسر استدلال می‌کنند که ما بچه‌ها همه باید از کشور خارج بشویم و به کانادا برویم و بگوییم که مادر مریض است و برای مداوای او باید از کشور خارج شویم؛ البته آنجا هم کلی اموال و املاک برای این منظور فراهم کرده‌اند».

او ادامه می‌دهد: «محسن می‌گوید که من وصی پدر هستم اجازه نمی‌دهم که تو فائزه خیلی آبروی ما را برده‌ای از آن زمانی که سوار دوچرخه شدی، کت‌ودامن پوشیدی تا این اواخر که به دیدن بهایی‌ها رفتی، ضربات زیادی به پدر زدی و اگر بخواهی این راه را ادامه بدهی، ما تو را تکذیب می‌کنیم؛ یعنی من تو را تکذیب می‌کنم در این قضیه».

یک منبع آگاه دیگر هم از قول خانواده هاشمی به «شرق» گفت اگر بنای ما رفتن به خارج بود که مهدی از خارج به ایران نمی‌آمد.

کریمی‌قدوسی اما در ادامه ادعاهای خود در این فایل صوتی اتهاماتی را هم متوجه هاشمی‌رفسنجانی کرده و گفته است: «در شرف پیروزی انقلاب اسلامی فامیل‌های قدرت و ثروتی که در کشور بودند ۵۴ فامیل بیشتر نبودند، سناتورها و درباری‌ها بودند که فرار کردند و شورای انقلاب اموال اینها را مصادره کرد که بنیاد مستضعفان از اینجا پدیدار شد.

انقلاب که به پیروزی رسید دیگر در این کشور فامیل ثروت و قدرت وجود نداشت. الان قریب نیم‌قرن از انقلاب گذشته و چندین‌برابر قبل از انقلاب، جریان اعتدال با محوریت این افراد که به سران فتنه مشهورند، به‌خصوص شخص آقای هاشمی، ده‌ها برابر فامیل ثروت و قدرت به وجود آورده‌اند».

او در بخش دیگر این ادعاها گفته است: «جریان غرب‌گرا که با پیروزی انقلاب در کشور تاخت‌وتازی نداشت، امروز در کشور بیشتر ارکان اجرائی را بر عهده گرفته است و دنبال این هم بود که خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، اینها را هم به دست بگیرند، باید مقابل این جریان ایستاد. به خاطر سبک و سیاق خانواده‌های قدرت و ثروت، ولنگاری فرهنگی کلید خورده است و آرام‌آرام سعی کردند کلاش را از روی دوش جوانان ما بگیرند و گیتار و تار را به‌جای آن قرار دهند».

سخنان کریمی‌قدوسی را در حالی، محسن، وصی مرحوم هاشمی‌رفسنجانی تکذیب کرده است که او پیش‌تر بارها و بارها سخنانی را به نقل از دیگران مطرح کرده که همگی با تکذیب مواجه شده است. تازه‌ترین آن، بازگوکردن سخنان ظریف در جلسه محرمانه کمیسیون امنیت ملی مجلس بود، آن هم در شرایطی که خود او در آن جلسه غیبت داشته است. این سخنان علاوه بر آنکه با تکذیب وزیر امور خارجه همراه شد، با شکایت یکی از نمایندگان به هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان، قرار شد تا این موضوع بررسی شود. کریمی‌قدوسی البته باز هم اتهاماتی از این دست را به ظریف نسبت داده بود. آنجا که یک بار دیگر در مصاحبه با روزنامه کیهان مطالبی را از قول ظریف مطرح کرده بود و کیهان تیتر زده بود که «مکالمه روحانی با اوباما و دیدار طولانی من با جان کری نابجا بود» ظریف در پی آن راهی بیمارستان شد و بعد هم گلایه کرد که چرا فحوای جلسه مفصل محرمانه در چند جمله ناقص بیان شده و به مطبوعات درز پیدا کرده است.

کریمی‌قدوسی این‌بار هاشمی و خانواده او را مورد اتهام قرار داده است و این دومین باری است که هاشمی بعد از وفاتش مورد اتهاماتی ازاین‌دست قرار می‌گیرد. چندی پیش هم سردار سعید قاسمی از چهره‌های تندروی جریان اصولگرا، با اشاره به نحوه مرگ هاشمی موارد نامربوطی گفته بود.